

فصلنامه تاریخ روابط خارجی

سال چهاردهم، شماره ۵۵- تابستان 1392، صص 98-۷۳

پیوند ادب و سیاست: بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار ادیب پیشاوری

جلیل قصابی گزکوه^۱

هادی وکیلی^۲

◆ چکیده

جنگ جهانی اول (1332-1336 ق. / 1914-1918 م.) گرچه در اروپا آغاز شد، اما دامنه آن به تدریج به دیگر نقاط جهان از جمله ایران رسید. با اینکه دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما دولت‌های درگیر موضع ایران را نادیده گرفتند. گروه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ایران، جنگ را با واکنش‌های متفاوتی تلقی کردند؛ در این میان، جنگ جهانی بازتاب در خور توجهی در ادبیات ایران به ویژه شعر یافت و اکثر شاعران ایرانی به عنوان بخشی از بدنه فکری و فرهنگی جامعه، شرایط اجتماعی ایران را که حمایت از دولت آلمان و انزجار و تنفر از دولت‌های انگلیس و روسیه بود، آشکار کردند. ادیب پیشاوری از جمله شاعران ایرانی بود که انتقاد از تهاجم دولت‌های انگلیس و روسیه را موضوع برخی از اشعار خود قرار

تاریخ دریافت مقاله: 1392/4/15

تاریخ پذیرش مقاله: 1392/6/17

^۱ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Email: Ghasabian.history@yahoo.com

Emal: Vakili355@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

داد. در این پژوهش، دیدگاه و نظریات ادیب در باره جنگ جهانی اول و چگونگی حمایت وی از آلمان و متحدانش و انزجار از انگلیس و روسیه بررسی می‌شود.

• واژگان کلیدی:

جنگ جهانی اول، ادیب پیشاوری، ادب و سیاست، اشعار

مقدمه

جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۳۲ ق. / ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.) ایران را ناخواسته به عرصه زدو خورد نیروهای درگیر در جنگ کشانید. نخستین واکنش دولت ایران، اعلام بی‌طرفی با فرمان ۹ آبان ۱۲۹۳ بود. اما در حالی که متفقین، بخش بزرگی از خاک کشور را در اشغال داشتند، اعلام بی‌طرفی معنایی نداشت. مردم ایران از آغاز دوره قاجاریه، موارد متعددی از تجاوز و مداخله دولت‌های روسیه و در مرحله بعد، انگلیس را در خاطر داشتند و در جنگ جهانی اول مخالفت، انزجار و تنفر از دولت‌های انگلیس و روسیه آشکار بود: گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همچون سیاستمداران، روحانیون، روزنامه‌نگاران، شاعران و دیگر مردم، نسبت به حضور متجاوزانه نیروهای بیگانه واکنش‌های متفاوتی نشان دادند.

در پی تجاوز دولت‌های انگلیس و روسیه به ایران پیش از جنگ و زمان جنگ، ستایش از آلمان - که رویکرد استعماری نداشت - در ادبیات فارسی، به ویژه شعر جایگاه خاص یافت. شاعری که بیش از همه در حمایت از آلمان شعر سرود، ادیب پیشاوری بود. افزون بر آن، باید از شاعران دیگر، از جمله ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۰-۱۳۳۰ ش.)،

وحید دستگردی (1321-1258 ش.)، عارف قزوینی (1312-1257 ش.) و میرزاده عشقی (1303-1272 ش.) نیز یاد کرد، که سیاست متفقین را محکوم کردند و پیشرفت‌های آلمان را ستودند.

شرح حال ادیب پیشاوری

سید احمد رضوی، متخلص به "ادیب" و مشهور به "ادیب پیشاوری"، ادیب و سخنور برجسته سده سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی در بسیاری از علوم عقلی و نقلی از سرآمدان روزگار خود بود (عبدالرسولی، 1362: 2). او در پیشاور و در اصل در اراضی کوهستانی میان افغانستان کنونی و پیشاور در میان عشایر جنگ جوی آن سامان به دنیا آمد (معلم حبیب‌آبادی، 1338: 1623/5 / تویسرکانی 1350: 305). بر سر زمان تولد ادیب اختلاف نظر هست، اما سال 1260 ق. به واقعیت نزدیک تر به نظر می‌رسد (بامداد، 1352: 77/1 / آرین پور، 1351: 317 / تویسرکانی، 1346: 85). ادیب دوران کودکی را در زادگاهش گذرانید. پیشاور در سال‌های تسلط انگلستان بر هند، روزهای خونینی را پشت سر نهاده و سرانجام پس از شکست قیام پرشور 8-1857 م. به تصرف قوای انگلستان در آمده بود. خاندان ادیب در آن روزگار، پیشاهنگ امر جهاد بودند و ادیب نوجوان نیز در این جهاد شرکت کرد، اما با سرکوب نبرد استقلال، «پدر و بنی اعمام و غالب اقارب و ارحام» وی به قتل رسیدند (باستانی پاریزی، 1357: 212) و ادیب به اصرار مادرش، مهدعلیا، از میانه قتلگاه به کابل گریخت. او در قیصرنامه، به تصرف پیشاور به دست انگلیسی‌ها به این مطلع اشاره کرده است:

از آن راند، گستاخ در خانِ من بشادی نشست، اندر ایوان من...

(پیشاوری، ن. خ. 8128/61456:

42)

ادیب دو سال در کابل نزد آخوند ملامحمد آل ناصر به کسب علم پرداخت. سپس به غزنین رفت و دو سال و نیم در محضر ملاسعدالدین غزنوی فنون ادب و حکمت آموخت. چند صباحی نیز در هرات و سپس به مدت یک سال و نیم در تربت جام اقامت گزید. ورود و اقامت ادیب در ایران دوره‌ای مهم از زندگی اوست. وی پس از مدتی به مشهد مهاجرت کرد و از آنجا، در سال 1287 ق. به سبزوار رفت و در محضر حاج ملاهادی سبزواری و فرزندش آخوند ملامحمد سبزواری به کسب علم پرداخت (معلم حبیب‌آبادی 1338: 1624/5). پس از رحلت ملاهادی سبزواری در 1290 ق. به مشهد بازگشت و در مدرسه میرزا جعفر سکنی گزید و به تدریس پرداخت (سدیدالسلطنه، 1362: 528). از آنجا که پنج - شش نفر از دانشمندان آن روزگار خراسان شهرت "ادیب" داشتند، وی "ادیب هندی" شهرت یافت (تویسرکانی (2)، 1350: 306). ادیب در سال 1300 ق. به تهران مهاجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر زیست. او روز دوشنبه سوم صفر 1349/ نهم تیر 1309 در منزل یحیی خان قراگوزلو وزیر معارف وقت درگذشت (عبرت نائینی، 1376: 36/1).

ادیب بر ادب فارسی و عربی چیرگی داشت و در علوم مختلف از جمله منطق، معانی و بیان، کلام، حکمت، تاریخ، لغت و ریاضیات از استادان مسلم زمان به شمار می‌رفت (اسحاق، 1363: 1/ 216). آقا بزرگ تهرانی، ادیب پیشاوری را "عالمی حکیم و ادیبی فاضل" خوانده و او را "جامع فنون" شمرده است (آقا بزرگ تهرانی، 1404: 83/1). ادیب پیشاوری «کشاف مشکلات، مفتاح مغلفات دقایق، حکیمی دانشمند و

فاضل» بود و در الهیات او را به ارسطو و در طبیعیات به افلاطون همانند کرده‌اند (عبرت نائینی، همان: 61) و پرنو، جهانگرد فرانسوی در دیدار با ادیب، وی را «روحانی فیلسوفی دانسته که با موفقیت بی‌نظیری در تهران تدریس می‌کرد» (پرنو، 1324: 62).

از جمله آثار وی، بدین شرح است:

1. دیوان اشعار

بنا بر گزارش سدیدالسلطنه در سال 1308 ش. دیوان ادیب پیشاوری را «نظر به زندگی بیشتر ابیاتش نسبت به انگلیسی‌ها تاکنون به چاپ نرسانیده‌اند» (سدیدالسلطنه، 1362: 528). چند سال پس از مرگ ادیب، علی عبدالرسولی دیوان او را با مقدمه‌ای که بیشتر مشتمل بر زندگینامه او بود، در سال 1312 ش. در تهران به چاپ رسانید. این دیوان شامل 4200 بیت از اشعار اوست. حدود نیمی از اشعار ادیب، مسائل سیاسی روز در ایران، منطقه و جهان است و از این میان، بیش از یک سوم دیوان در باره جنگ جهانی و ستایش قیصر است.

2. قیصرنامه

سروده‌ای حماسی است مشتمل بر 14000 بیت، که ادیب به درخواست عبدالرسولی - جامع دیوان - آن را "قیصرنامه" نام نهاد (عبدالرسولی، 1362: 15). گفتنی است که عبرت نائینی شمار ابیات قیصرنامه را 12000 بیت آورده است (عبرت نائینی، 1377: 62). مثنوی سیاسی - رزمی - اخلاقی **قیصرنامه** بر وزن **شاهنامه** **فردوسی** سروده شده و مشتمل بر مضامین عرفانی، پند و اندرز و ترغیب ایرانیان به مردانگی و جانبازی در راه استقلال و عظمت ایران و پیکار با ظلم و ستم است. ادیب در این اثر، گذشته از کینه کهنه‌ای که با انگلیس داشت، تابع شرایط زمان بود و به تمجید

از مردم، سپاه و قیصر آلمان ویلهلم دوم^۱ (۱۸۸۸-۱۹۱۸ م.) پرداخت. شاعر هدف از سرودن قیصرنامه را چنین بیان کرده است:

مرا بود مقصود ازین نظم سال که پر دود شد خانه بد سگال
برانگیزم آنگه یکی رستخیز در این نامه زین خاصه مشکبیز
(پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶)

(۱۳۱)

۳. رساله در بیان قضایای بدیهیات اولیه

۴. رساله در تصحیح دیوان ناصر خسرو

۵. تصحیح و تحشیۀ تاریخ بیهقی

۶. ترجمۀ الأشارات و التنبیهات شیخ‌الرئیس ابن سینا که ناتمام ماند (همان:

۱۵).

۷. قصیدۀ معروفی که ادیب به هنگام جنگ یونان و عثمانی سرود و به نوشتۀ

سدیدالسلطنه ۸۰۰ بیت از آن باقی مانده، گرچه تاکنون چاپ نشده است.

۸. قصۀ یوسف و زلیخا در ۴۰۰۰ بیت، که ناتمام ماند.

۹. حکایت تاجر؛ منظوم‌های است در بحر متقارب در حدود ۱۸۰۰ بیت که ادیب

در ۶ ماه آخر عمر سرود و حکایت تاجری است که خواهرش را ربوده‌اند (سدیدالسلطنه،

۱۳۶۲: ۵۲۸).

^۱. Wilhelm II

10. به نوشته تویسرکانی، ادیب کتابی هم در شرح اقوال حکما و مشکلات اشعار شعرای عرب در حدود 7-8 مجلد نوشته بود که اصل آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری می شود (تویسرکانی، 1350: 105/1).
11. ادیب همچنین منظومه ناتمام "زهره و منوچهر" ایرج میرزا را به پایان رساند (میرانصاری، 1377: 370/7).

دیدگاه ادیب در باره جنگ و طرف‌های مخاصمه

ادیب دیدگاه خود را در باره طرف‌های مخاصمه در جنگ به وضوح بیان کرده است. در باب مواضع ادیب نسبت به آلمان دو دیدگاه در میان محققان وجود دارد. یک دیدگاه، نظر آراین پور است که به باور او: «در رأس جریان آلمان دوستی شعرای ایران، ادیب پیشاوری در رأس این جریان قرار دارد.» (آراین پور، 1351: 317/2). دیدگاه دوم به ریپکا تعلق دارد که بنا بر آن: «نفرت از انگلیس در برخی از میهن پرستان مانند ادیب پیشاوری جای خود را به آلمان دوستی داده است.» (ریپکا، 1383: 626/2) دیدگاه اخیر با گزارش سپهر در کتاب «ایران در جنگ بزرگ» همخوانی دارد. به گفته او:

«شنبه 7 ربیع‌الاول 1335 / 9 دی 1295 شاعر شهیر ایران، ادیب پیشاوری اشعاری راجع به فتح رومانی توسط سرداران بزرگ آلمانی سرود و با بیان شیوا قیصر آلمان را مدح کرد. نگارنده ابیات مزبور را ترجمه با متن فارسی آن را به برلن فرستادم که به وسیله وزارت امور خارجه به نظر امپراتور رسید [...] امپراتور امر فرمود هدایایی که لایق چنین سخن‌سرایی باشد به وی تقدیم گردد. اما هر قدر زومر و من به سید ادیب

اصرار کردیم زیر بار قبول هیچ‌گونه هدیه نرفت و گفت: عشق و علاقه من به قیصر آلمان، علتی جز دشمنی با انگلستان ندارد.» (سپهر، ۱۳۶۲: ۴۰۲).

در اصل آنچه وی را به سرودن ابیات و قصاید وطنی و به ویژه مثنوی **قیصرنامه** سوق داد، همان‌گونه که خود او اذعان کرده است، مصیبتی بود که سربازان انگلیسی بر سر خانواده وی آوردند. افزون بر این، سرودن مثنوی **قیصرنامه**، آن هم در سال‌های سالخوردگی ادیب، نشانه‌ای است از فضای اجتماعی این دوره و می‌توان تأثیر اندیشه بیداری به وجود آمده در مردم ایران را در اشعار او احساس کرد.

ادیب در جریان جنگ به بی‌طرفی ایران چندان تمایل نداشت و هرکجا مقاومتی علیه استعمار انگلیس می‌دید، از آن حمایت می‌کرد. از جمله، زمانی که مردم دشتستان به مقابله با تجاوز نیروهای انگلیس در جنوب پرداختند، ادیب آنان را ستایش کرد، از مبارزان تنگستانی که در روزگار تیره ایران درخشیدند، خواست تا از لحاظ جنگاوری، همانند سربازان آلمانی به میدان جنگ روند تا بر لشکر انگلیس خصم پیروز شوند. وی تنگستان را به سبب تحریکات ضد انگلیسی اهالی، به سری برای ایران تشبیه کرده است:

ز دریا و کان ^۱ لعل و بیجاده ^۲ آرا	نثار آورم پارسوی زاده را
گهربار بر فرق شیران پارس	هزار آفرین بر دلیران پارس
ثنا گستر کشور پارسم	یکی هاشمی قنبر پارسم
همه خاک ایران تن و تو سری	که شیران لشکر شکن،
	پروری

^۱. کان: معدن

^۲. بیجاده: نوعی یاقوت

(پیشاوری، ن.خ. 61456/8128:

47-45)

در آن روزها و با آغاز جنگ جهانی، دل آزرده‌گی‌های چند ساله از دولت‌های انگلیس و روسیه از یک سو، نومیدی از دولت و کوشش مأموران آلمان و عثمانی به «دست‌اويز اتحاد اسلام از دیگر سوی، دست به دست هم داده، تکان سختی در کشور پدید آورد. به ویژه با باورهایی که به پیروزی آلمان در جنگ در دل‌ها پیدا شده بود و کمتر کسی گمان دیگری به نتیجه می‌برد.» (کسروی، 1364: 629). از این رو، بیشتر ایرانیان، به دولت و ملت آلمان به چشم منجی می‌نگریستند؛ پیر و جوان و زن و مرد و کوچک و بزرگ، در صورت مواجهه با یک نفر آلمانی «کوشش داشتند خدمتی نسبت به او انجام دهند، هر چند ناچیز باشد» (کحال زاده، 1363: 59).

مذمت و نکوهش متفقین در جنگ جهانی و تشریح تجاوزهای آنان

بیشترین اشعار ادیب، افشای مظالم دولت انگلستان است، که به لحاظ وسعت مستعمره‌ها، دشمن اصلی ملت‌های مسلمان شمرده می‌شد. وی استعمار انگلیس را «دشمن دین»، «خواجه بوالحیلت»، «دیو رجیم» و «افعی عالم گزای» عصر خویش می‌انگاشت و انگشت دولت انگلیس را در فتنه‌ها و توطئه‌های ضد اسلامی و ضد ایرانی دخیل و مؤثر می‌دید (پیشاوری، ن.خ. 61456/8128: 78-79). از این رو، کینه‌ای عمیق از انگلیسی‌ها به دل داشت و از این جهت به قیصر آلمان اظهار علاقه می‌کرد که او را نیز در دشمنی با دشمن خویش هماواز می‌یافت. اساساً ادیب، انگلیس را دشمن

دین اسلام می‌دانست: «دشمن دینی و هست دشمنی ات دین من» (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۹).

به طور کلی، غالب آنچه که او در وصف استعمار سروده ناظر به ماهیت و عملکرد انگلیس بود: انگلیس آتش افروز اصلی جنگ بر ضد متحدین و مسئول قتل همه کسانی است که در جنگ با آلمان از بین رفته اند:

تو ای داده مردم به کشتن همه
 نه ژرمن، که تو خونشان ریختی
 کجا رست خواهد شد ز چنگ عقاب^۱
 نجسته ره بازگشتن همه
 که بر جنگشان دل برانگیختی
 چو گنجشک آوری به چنگ عقاب
 (پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶)

(۲۰۴-۲۰۵)

اگر خون این بی‌گناهان هزار
 نبودش ازین کار پرهیز هیچ
 نشود ریخته از یمین و یسار
 نبینی چنین فتنه‌انگیز هیچ

(پیشاوری: ۱۶۲)

ادیب در جای دیگری، انگلیس را «ابلیس گیتی دام و عالم گیر» می‌خواند:
 خدعه ابلیس گیتی دام عالم گیر او پاره کن از هر کران، گر شهر ور خود
 روستاست

(همان، ۱۳۶۲)

^۱ کنایه از ارتش آلمان که بردرفش آن، نشان عقاب نقش بسته بود.

(19:

به نظر او استعمار انگلیس، آسایش و صلح جهانی را پایمال کرده است و هر چه
بلا در جهان است، به انگلستان مربوط می‌شود:

سال‌ها بگذشت کز تشویش او در شرق هیچ پهلوئی به آسایش نسوده
وغـ_____رب بسـ_____تری
(همان:

این بلاها در جهان یکسر از این بیداد (143

خواس_____ت کافت هر ملکست و فتنه هر
کش_____وری
(همان: 148)

از دید ادیب، دولت انگلیس، رفتاری دوگانه داشت: گاهی همچون «شب پره در
زمانی که چشم‌ها خفته» و «خورشید در چاه مغرب نهفته»، در آرامش شب شبیخون
می‌زند و زمانی همچون «جره بازه عقاب نر و قوی» آشکارا در آسمان به شکار می‌پردازد.
به هر کشور اندر که آمد فرود دو گونه بدش کار و گفت و شنود
چو شب پره گاهی نهان پر زدن دگر باره چون جره بازی شدن
(پیشاوری، ن.خ. 8128/61456:

(164

حضور انگلیس در هر کشوری موجب ویرانی و آشفته‌گی است. انگلیسی‌ها
گرگ‌هایی هستند، که به ویژه در خاور زمین، در لباس میث ظاهر شده‌اند (همان:
160).

...به هر خانه کآمد از در درون همه کار آن خانه شد باژگون
(همان):

(160)

و البته این سیاست انگلیس همواره ترکیبی از فریب و تهدید بود:

گهی با فریب و گهی با نهیب رخ خویش را داده چون سیب زیب
(پیشاوری، ن.خ. 8128/61456):

(161)

ادیب، سیاست منفعت طلبی انگلیس را سرمنشأ همه بدی‌های جهان می‌دانست،
که «بدخو و دام گستر» است (همان: 50). استعمار انگلیس با انگیزه کسب سود بیشتر،
اقتصاد کشورها را متلاشی می‌کرد. وی سبب وقوع جنگ جهانی را منفعت‌پرستی
انگلیس می‌دانست:

پی سیم و زر دام پهن‌آوری بگسترده بر روی هر کشوری
پی سود بازار سوداگری برانگیخت خصم شه این داوری
(همان: 15)

ز کشور به کشور بُرد بار خویش براند برآیین و هنجار خویش
فرود آید آنجا که کام آیدش نه ماهی که مر زیر دام آیدش
گزیند چو آید یکی شارسان پی سود و سودا یکی کارسان

(همان: 4)

دولت انگلیس در پایان جنگ به عنوان تنها قدرت برتر جهان خودنمایی می‌کرد و در پی اهداف و آمال دیرین خود در خاورمیانه و به خصوص ایران بود. دولت انگلیس توانست در ایران، توافقنامه‌ای با وثوق‌الدوله - نخست‌وزیر وقت - منعقد کند (1919م.). این توافقنامه اقتصاد و قشون ایران را در اختیار مستشاران انگلیسی قرار می‌داد. ادیب که «حب وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب و سیرت او بود و هیچ گناهی را بزرگ‌تر از خیانت به وطن و تمایل به اجانب نمی‌دانست» (عبدالرسولی، 1362: 6)، در مجلسی با حضور وثوق‌الدوله، آشکارا وی را عامل بیگانه شمرد (بامداد، همان: 78/1). وی از توافقنامه 1919م. به قرارداد «فروش مام وطن به بیگانه» یاد کرده و در انتقاد از وثوق‌الدوله آورده است:

منم، پور ایران و مام خویش مرا غیرت آید ز اندازه بیش
به بیگانه نفروشم، این مام را کجا زشت و ننگین کنم این نام را؟
(ابوالحسنی، 1373:

(98)

هم‌زمان با انعقاد توافقنامه مذکور، ادیب پیشاوری نزدیک به 8000 بیت در معایب آن به نظم درآورد (سدیدالسلطنه، 1362: 528). شاعر در بارهٔ عاملان توافقنامه و فریفته شدن آنان به وعده‌های انگلیس، چنین سرود:

اگر چند لندن چو باغی است خوش به خوبی چو طاووس یازنده کش^۳...
بریتانیا پارگین^۱ خانه‌ای است پر از مار و کژدم یکی لانه‌ای است...

^۱. پارگین: جایی که آب‌های آلوده و متعفن در آن جمع گردد.

^۲. یازنده کش: خوش خرام

گرت خوی آزادگان در نهاد
 که بر کیش و بر خویش ننگ آوری
 وز این هرسه^۱ بدتر کسی کو شنید
 چرا داده‌ای دین و دولت به باد؟
 بُدی، بوده‌ای کی به این بند شاد؟
 که دینار و درهم به چنگ آوری...
 چنین قول از چون تو مادر پلید
 چرا گشته‌ای با چنین عهد شاد؟
 (همان: ۱۰۰-)

(۹۹)

به نظر ادیب با آمدن انگلیسی‌ها به ایران، راه صنعت و تولید بر پیشه‌وران ایرانی بسته و بازار هنر و نوآوری داخلی مسدود شد (پیشاوری، ن.خ. ۶۱۴۵۶ / ۸۱۲۸: ۱۲). او انگلیس را به «پسه کلاغ» تشبیه کرده است:

بیرون رو ای پسه کلاغ، کامد گل سوز
 تا گرد این روشن چراغ، مرغ و پری چنبر
 به باغ
 زند

(همان: ۲۲)

ادیب، روسیه تزاری را نیز در سیاست خارجی بازیچه دست انگلیس می‌دانست. او به لحاظ توافق‌ها و تبنانی‌های انگلیس با دولت روسیه تزاری در فاصله سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۰۷م. دولتمردان انگلیس را در جنایات روس‌ها در ایران، شریک جرم می‌شمارد:
 مگو روس، کاین فتنه، انگریز^۳ کرد
 همه کار، این فتنه‌انگیز کرد
 (همان:)

(۱۷۹)

^۳ وثوق‌الدوله، صرم‌الدوله و نصرت‌الدوله از طراحان ایرانی انعقاد توافقنامه ۱۹۱۹ م.
^۱ انگریز: انگلیس

از دیدگاه شاعر، انگلیس در قیام سراسری مردم روسیه علیه نیکولای دوم، تزار روس، در اواخر جنگ جهانی و متعاقب شکست‌های پیاپی ارتش تزاری از آلمان نقش داشته است، زیرا تزار روس ظاهراً درصدد بود تا در معاهده‌ جداگانه‌ای، با قیصر آلمان پیمان صلح ببندد، اما در این صورت، انگلیس در شرایط نامساعدی قرار می‌گرفت. از این رو ادیب، وقوع ناگهانی انقلاب روسیه را نتیجه‌ دخالت‌های دولت انگلیس می‌داند:

ندانم چه جادو به کار آورید که یک باره از مرد، مردم رسید
 بگفتند این شاه ما ناسزاست از او فره خسروانی جداست
 (همان):

(136)

تغییر حکومت در روسیه، بر اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران تأثیر عمیق داشت؛ فشار نظامی روسیه تزاری پس از بیش از یک قرن، ناگهان برطرف شد و در برابر میهن‌دوستان آزادیخواه، روزنه‌ امید نمودار گردید (سپهر، همان: 451). به همین سبب، مردم ایران از انقلاب روسیه استقبال کردند و شعرا نیز، مانند سایر اقشار مردم، این انقلاب را بدین سبب که کشور را از ظلم روسیه نجات می‌داد، به فال نیک گرفتند. به گزارش کحال‌زاده این شعر ادیب پیشاوری در آن تاریخ (1336ق. / 1917 م.) ورد زبان تمام ایرانیان بود:

خروشی برآمد ز پتروگراد که شه اشک‌ریزان زتخت اوفتاد
 (کحال‌زاده، همان: 277)

ادیب نظر خود را در باره انقلاب بلشویکی روسیه، در گفت و گو با موریس پرنو جهانگرد فرانسوی در سال 1304 ش. بیان داشت:

«از ادیب پرسیدم که آیا عقاید کمونیست‌ها در ایران طرفداری پیدا کرده است یا خیر؟ ادیب برای من شرح داد [...] چون به زودی معلوم شد که روس‌ها در زیر نقاب بلشویسم پنهان شده‌اند، اعتماد عمومی سلب گردید [...] حکیم به سخنش افزود: روس‌ها به اروپاییان اطمینان داده‌اند که تبلیغات آنها در سراسر شمال ایران مؤثر واقع گردیده و حال آنکه هرگز چنین نیست. در حال حاضر (۱۳۰۴ش.) هیچ خطری از بلشویسم در ایران وجود ندارد» (پرنو، ۱۳۲۴: ۶۴-۶۱). ادیب می‌دانست که عقاید بلشویکی روسیه، به سبب وجود تعالیم اسلام، در ایران رواج و رسوخ نخواهد یافت.

موشکافی ادیب، از نقادی مظالم استعمارگران غربی به ویژه انگلیس و درک عمیق او از سردمداری پنهان و دوردست آمریکا در زمینه‌سازی این کشور برای چپاول سرزمین‌های اسلامی در مجموعه اشعار او جلوه یافته است. در جریان جنگ جهانی، آمریکا بیشتر ناظر درگیری قدرت‌های جهان و منتظر تضعیف هر چه بیشتر دو جناح درگیر بود، تا بنیة سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را تقویت کند.

به گزارش روزنامه عصر جدید، ذیل عنوان «استقراض متفقین از آمریکا» تمایل باطنی قسمت اعظم اهالی آمریکا از ابتدای جنگ نسبت به متخاصمین چندان پوشیده نبود، آنها متمایل به متفقین بودند. «به همین دلیل دولت آمریکا از نقطه نظر مالی کمک‌های زیادی به متفقین داد» (عصر جدید، س ۲، ش ۱۸: ص ۱). سرانجام پس از ماهها زمینه‌سازی سیاسی و تبلیغاتی، دولت آمریکا به طور رسمی وارد جنگ شد. ادیب با کنایه، خطاب به ویلسون رئیس جمهور آمریکا و کمک‌های تسلیحاتی و غذایی وی به متفقین سروده است:

دو رویی مکن ای نکوهیده مرد تو هرگز بگرد دورویی مگرد

چو با دشمنم دوستی افکنی بُود با من این دوستی دشمنی
اگر بخردی ور که دیوانه‌ای تو دشمن نژادی نه بیگانه‌ای
(پیشاوری، ن.خ. شماره 65)

(85)

غرق شدن کشتی لوزیتانیا نیز موجب اعتراض و انزجار مردم در سراسر آمریکا شده بود. (هیوز، 1361: 53) و این مسأله، بهانه خوبی به دست دشمنان آلمان به ویژه انگلیس داد تا آمریکا را به جنگ با آلمان بکشانند و جان خسته و فرسوده متفقین را از زیر ضربات قیصر رهایی بخشند (کحال زاده، 1363: 238). حضور آمریکا در جنگ، هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی توازن قوا را به نفع متفقین بر هم زد (هیوز، 1361: 62). ادیب کمک‌های ویلسون رئیس جمهور آمریکا را به دولت انگلیس مانند «زرهی در جنگ، برای یک جنگ‌جو» توصیف کرده است. (پیشاوری، 1362: 143). از این رو، او از آمریکایی‌ها به عنوان «قومی زراگن، درم توز و دریا سپاه» یاد می‌کند که دیو انگلیس آنان را فریفته و به گرداب ستیز با ارتش آلمان افکنده است. (همان، ن.خ. 8128/61456: 134). به نظر او، قیصر آلمان از اینکه انگلستان توانسته است کشور تازه نفسی چون آمریکا را در جنگ با خود همراه کند، احساس نگرانی کرده است:

غمی شد ز جنگی که سرهنگ شاه همی کرد با فر و فرهنگ شاه
(همان: 135)

ادیب، آمریکا را «ریکاشه» (خارپشت بزرگ) خوانده و همراه بریتانیا، هدف «مرغوی» (نفرین) خویش قرار داده و قیصر آلمان را به سبب کوشش فراوان برای سرکوب آنان شایسته مُروا (دعا) دانسته است:

شنیدم یکی مرد آشفته مغز
 به شاهی برآورده بد نام خویش
 ...چو بشنید قیصر، چنان برفروخت
 ...چو سرهنگ شه آهنین دژ گشود
 همه ملک بگرفت سالار شاه
 کار باره‌ی بخارست با فرّ شاه
 که دیوش بیفکند درگو به مغز
 شمار سپاهش نه کم بد نه بیش
 که گیتی از آن تف همی خواست سود
 سروش ظفر می سرودش سرود
 زن و مرد رفتند زنه‌ار خواه...
 گشادیم و بشکسته شد رزم خواه
 (پیشاوری، ن.خ. 8128/61456: 99-)

(100)

دولت ایتالیا نیز در بهار 1915م. متعاقب قولی که متفقین برای الحاق دو ایالت «ترانتین» و «تریست»^۱ به آن کشور داده بودند، به متفقین پیوست (هیوز، 1361: 47). مورخ الدوله سپهر، ماجرای کناره‌گیری ایتالیا از صف متحدین و پیوستن به جناح متفقین را با شوق خاصی بیان کرده است: «دوشنبه 9 رجب 1333/24 مه 1915 ایتالیا به اطریش اعلام جنگ نمود. روز بعد بچه‌ها در کوچه و خیابان تهران این شعر را از راه تمسخر می‌خواندند:

در صداقت در شجاعت در وفا
 عبده ایتالیا ایتالیا ایتالیا
 (سپهر، 1362:

(177)

ادیب، ایتالیا را به سبب پیمان‌شکنی و اتحاد با متفقین علیه متحد سابقش آلمان، مورد انتقاد قرار داد:

^۱. Trentin-Trieste

کنون نوبت جنگ ایتالیاست که بر سرش باریده سنگ قضاست
یکی آنکه پیمان شکن بود مرد دگر آنکه با شوم شد پایمرد
ز پیمان هر آنکس که تأیید سر قضا کرد خویش چو مالش هدر
(پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶):

(206)

نقشه ارتش آلمان، حمله سریع به فرانسه از مسیر بلژیک، کوتاه‌ترین راه برای رسیدن
به خاک فرانسه بود. از این رو ارتش آلمان در مدت کوتاهی بلژیک را به تصرف درآورد (لیتل
فیلد، ۱۳۸۱: ۲۰۲). ادیب اشاره کوتاهی به این ماجرا کرد:

...بلجیک را رنج حرب بگرفت ز آن ویل و بگشاد زی صربی سرب^۳ آن قمع و
ک____رِب استیصال‌ها
چون ماکیان^۱ خاصه کریز بنموده پشت اندر بر فرق خاک تیره نیز رخ زرد از
کریز^۲ _____ز اوجال^۴ هـ_____ا
(همان: ۶-۸)

ستایش مردم، ارتش و قیصر آلمان و تشجیع آنها در مبارزه با انگلیس

ادیب می‌دانست که آلمان هم اگر مجال یابد، از سلطه‌جویی بر دیگر کشورها
خودداری نمی‌کند، اما اکنون، آلمان دشمن انگلیس و روسیه بود. به نوشته تویسرکانی:

۱. ماکیان: مرغ خانگی

۲. کریز: پر ریختن طیور

۳. سرب: طریق و راه

۴. اوجال: ترس‌ها و بیم‌ها

ادوات جنگی قیصر که چگونه در نبردی دریایی توانستند دشمن را غافلگیر کنند و به محاصره درآوردند:

شندیم که هر جا که بد پیشگاه	بدان سو چنان رفت فرمان شاه
کز این پس نباید که دانند ناو	به دریا شود چون به هامون چکاو...
کنون زیر دریا پر از اژدر است	خَدْرَتان ازین اژدها در خور است

(همان، ن.خ. 8128/61456: 111-)

(112)

زمانه بیاورد کاری شگرف	که آتش برانگیخت از آب ژرف
کلنگی به دریا درون تاخته	هوا را زشاهین برداخته
به دریا درون با چنین دستگاه	بسی کشتی خصم زو شد تباه

(همان: 117)

شاعر با درک احساسات و عواطف مردم ایران در خلال سال‌های پیش از جنگ و در طول جنگ، در مقام نمایندگی تمام مردم بر بلندای بام ایران می‌ایستد و خطاب به قیصر آلمان می‌گوید:

همه مردم ایران برای تو آند	کمر بسته اندر وفای تو آند
شگون همه دیدن مهر تُست	به جان‌شان برآمیخته مهر تُست
برآرند از جان خَصَمَت دمار	به چنگال شیر و به دندان مار

(همان، ن.خ. 8128/61456: 87)

وطن دوستی و دعوت مسلمانان به اتحاد

ادیب به زادگاه خود، هندوستان عشق می‌ورزید و آنجا را تا سرحد جان دوست داشت. از روی وطن دوستی، با زبان شعر با انگلیس جنگید و برای دفاع از وطن تا پایان عمر در ایران، آواره زیست، او به ایران نیز تعلق خاطر داشت و هیچ یک از قصایدش از چاشنی وطن‌پرستی و تشویق به استقلال و آزادگی تهی نیست؛ به نوشته بزرگ علوی: «ادیب پیشاوری از اولین شاعرانی است که در آثار خود میهن‌دوستی و ملی‌گرایی را می‌ستاید» (علوی، 1386: 57). وی اوضاع ایران را که در خلال جنگ جهانی اول در محاصره همسایگان و تجاوز آنها قرار گرفته بود، با توصیف زیبایی بیان کرده است. شاعر، دولت روسیه را به «گرگ ریزیده مو»، دولت انگلیس را به «روباه» و دولت آمریکا را به «ریکاشه رنگرز» تشبیه کرده است و دل در گرو یاری قیصر آلمان، سروده است:

ز یک سوی من گرگ ریزیده مو	فسان کرده دندان، دژم کرده رو
دگر سوی ریکاشه‌ی رنگرز	نهان کرده در زیر خَز مار گز
ز یک سوی روباه جنبانده دُم	گُراز از دگر سوی در اُشتلم
زدو سوی تن کشته لت لت مرا	یکی زد طپانچه دگر لت مرا...
مرا دل به عشق اندرون کرد خویی	زهر راه که آیم شوم شاه جویی
به فر شهنش که پیروز باد	جهان را همه روزه نوروز باد

(پیشاوری، ن.خ. 8128/61456)

(38-36)

در دنباله، اندوه خود را از اینکه در ایران نیرویی برای مقابله در برابر متجاوزان وجود نداشت، ابراز می‌دارد. از اشعارش پیداست که با وجود اعلام بیطرفی دولت ایران در جنگ، وی نیز مانند بیشتر روشنفکران آزادیخواه، تمایل چندانی به بیطرفی نداشت، زیرا

زمانی که به اهداف استعماری خود دست نیابند، برای آبادانی ایران کار مفیدی نمی‌کنند (همان، ن.خ. 8128/61456: 31). او حضور نیروهای بیگانه را موجب نابودی سرمایه‌های داخلی می‌داند:

بباید یکی مهره باز کهن	شناسایی بازی ز سرتا به بُن
رباینده هوش هر خام مغز	نماینده بلبل از بانگ چغز
که گفتند ازین کرم، اختر کنیم	وزین باغ، هر شاخ بی بر کنیم
نشستند و گفتند و برخاستند	نشد آن کار آنچه می‌خواستند
همان باغ پژمرده پژمرده‌تر شد	بماند و تن مردهمرده‌تر شد

(همان: 31-32)

ادیب هیچ گناهی را بزرگ‌تر از «خیانت به وطن» و «تمایل به اجانب» نمی‌داند (عبدالرسولی، 1362: 5-6) و در بیشتر سروده‌هایش این موضوع آشکار است. بر این اساس به ایرانیان توصیه می‌کرد که برای نجات مملکت خود بکوشند؛ زیرا ایران بر اثر حضور بیگانگان رو به خرابی و ناسازگاری رفته است. گرچه ایران متعلق به ایرانیان است، اما در زمان جنگ، انگلیس و روسیه حکم‌فرمایی می‌کردند و گویی کشور ایران را کرایه کرده بودند (پیشاوری، 1362: 138). از این رو شاعر «کار ایران را ناساخته از ساز» بیگانگان می‌داند و در پی راه نجاتی بود:

از خدا میخوای ایران نجات و	ز آنکه همچون مهره افتاده اندر ششدری
مخلص	(همان: 145)

گذشته از ایران دوستی، ادیب نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها، به ویژه مسلمانان نیز احساس مسئولیت می‌کرد و افسوس می‌خورد که چرا هندی‌ها، مصری‌ها، ایرانی‌ها، ترک‌ها، افغان‌ها و مردم دیگر سرزمین‌های مشرق زمین زیر سلطه بیگانگان هستند و از توانایی‌های خود در جهت اعتلای میهن خویش استفاده نمی‌کنند. چنین بود که در هنگامه جنگ، ندای اتحاد اسلام سر داد. می‌توان او را در استعمارستیزی، با سیدجمال‌الدین اسدآبادی همفکر دانست؛ زیرا هر دو شخصیت، استعمار انگلیس را به طور عمومی، عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانستند و اتحاد همه مسلمانان را در برابر انگلیس به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کردند. از این رو، می‌توان «ادیب را پیشرو بیداری جدید» هم دانست (ریپکا، ۱۳۸۳: ۶۵۳/۲). درد و غم ادیب، درد و غم تمام جهان اسلام بود و برای یک یک بلاد مسلمین و سرنوشت آنها احساس نگرانی می‌کرد. این دیدگاه را در قصیده «در تحسر از حوادث واقعه در بلاد اسلام و هند و معانی دیگر» می‌توان به خوبی دریافت:

آنچه با شکر کند آبی و با عور آذری کرد با من انده ایران و بغداد و هری
... آنچه می‌دزدد غم مصر و عراق از تن مرا از کتانی مه ندزدد وز نمی تفت خوری
تن چونال مصر گشت و دیده همچون نیل باز آمد گوئیا فرعون با لشکری...
مصر _____ (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۳۶)

به نظر ادیب، تفرقه مسلمانان، کشورهای آنان را به مرور زمان به دست استعمارگران خواهد انداخت. وی که به چشم خویش تصرف هندوستان را به دست انگلیسی‌ها دیده بود، ورود نیروهای انگلیسی به ایران را نیز پیش‌بینی می‌کرد. از این

رهگذر، از ایرانیان به عنوان نمونه‌ای برای کل جهان اسلام می‌خواست تا در برابر استعمار چاره اندیشی کنند:

نوبت هندو گذشت و نوبت تازی نوبت ایرانی رسید ای ساده دل نوبت
گذشت _____ تراس _____
(همان: 18)

او نفاق و دوگانگی در کشورهای اسلامی را عامل پیشرفت بیگانگان می‌دانست و مسلمانان را به یکدلی و اتحاد در برابر دشمن ترغیب می‌کرد:

یکدلی‌تان راست خواهد کرد این بالای سال‌ها از دو دلیتان راست بالا خم
کوژ _____ گرف _____
(همان: 20)

در جای دیگری، شاعر به مسلمانان توصیه می‌کند دوگانگی را کنار بگذارند و با یاری یکدیگر، با دولت‌های استعمارگر مبارزه کنند:

ز پیرامن دل، ستردن دوئی ز هاند شما را ز هر جادوئی
شوید و یکدلی بسپرید ز دل زنگ هر جادویی بسترید...
پی اینست این جادویها که تا نفاق اوفتد در میان شما
به تارک بنه تاج اسلام را مکن بد ز خود این نونام را
چو بچگان یک مادر و یک پدر قوی پشت باشد از یک دیگر
(پیشاوری، ن.خ. 8128/61456)

ادیب در قصیده‌ای به زبان عربی بر اتحاد و یگانگی امت اسلامی تأکید کرده است: از عرب و هندی و ترک و افغان و ایرانی امت واحدی بنا کنید و با جدیت به حمایت از همدیگر برخیزید و دشمنان خود را از میان بردارید (همان: ۴).

نتیجه

ادیب پیشاوری، شاعر روشن‌فکر و آزادیخواه، که مقارن جنگ جهانی اول می‌زیست، با موج احساسات ضدانگلیسی-ضدروسی در ایران زمان جنگ همسو شد و امیدوار بود که آلمان بر متفقین پیروز شود. به همین سبب در اشعارش به ستایش از قیصر آلمان و جنگاوری آنها و نیز نکوهش انگلیس و روسیه پرداخت. او درد ایرانیان و مسلمانان را تفرقه و عدم اتکاء به نیروی خود می‌دانست و درمان این مرض را در اتحاد و یگانگی ایرانیان و کشورهای مسلمان می‌دید تا از این طریق بتوانند در برابر استعمار انگلیس بایستند. وی با اشعار حماسی، روحیه دلیری، جنگاوری و مقاومت را در دل مردم مسلمان و به ویژه ایرانیان زنده می‌کرد. اشعارش به گواهی کمره‌ای: «...واقعاً خیلی بالذات و مؤثر» (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱۴۷۶/۲) بود. این اشعار بر مردم تأثیر می‌گذاشت و «در کوچه و بازار با نشاط فراوانی خوانده و تکرار می‌شد» (کحال زاده، ۱۳۶۳: ۲۷۷). به طور کلی، بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار ادیب پیشاوری را بر پایه چهار اصل کلی می‌توان بررسی کرد: ۱) انزجار از دولت‌های استعماری روسیه و انگلیس، ۲) انزجار از دولت‌های استعماری، ایرانیان را به سمت نیروی سوم و قوی‌تری در آن زمان سوق داد: آلمان، که ادیب آشکارا دولت آن را ستایش می‌کرد؛ ۳) اتحاد اسلامی، یا به طور دقیق‌تر، اتحاد با دولت عثمانی که از لحاظ دینی با آن هماهنگی بیشتری دیده می‌شد؛ ۴)

هواداری عمومی از آلمان به عنوان عاملی برای همگرایی ملی و وحدت سیاسی، در صورت تداوم می‌توانست، همچون اهرمی برای فشار به متفقین و واداشتن آنان به عقب‌نشینی عمل کند.

منابع و مأخذ

نسخه‌های خطی

- پیشاوری، ادیب (1336) قیصرنامه، به خط عبرت نائینی، نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد شماره ثبت 65 d.
- _____ [بی تا] قیصرنامه، به خط عبرت نائینی نسخه خطی موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت 8128/ 61456.
- عبرت نائینی، محمدعلی (1376)، **تذکره مدینه الادب**، چاپ عکسی از روی نسخه خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _____ (1377)، **نامه فرهنگیان**، چاپ عکسی از روی نسخه خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

کتاب‌ها

- آرین پور، یحیی (1351)، **از صبا تا نیما**، تهران: انتشارات فراکلین.
- آقا بزرگ طهرانی (1404)، **طبقات اعلام‌الشیعه**، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج 2، با تعلیقات: عبدالعزیز طباطبایی، مشهد: نشر دارالمرتضی.
- ابوالحسنی، علی (1373)، **آینه‌دار طلعت**، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- _____ (1382)، «اسب تروای ویلسن»، **مجله زمانه**، س 2، ش 14، آبان 1382، صص 14-18.
- اسحاق، محمد (1363)، **سخنوران نامی ایران**، ج 1، تهران: نشر طلوع و سیروس.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (1357)، **از پاریز تا پاریس**، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- بامداد، مهدی (1352)، **شرح حال رجال ایران در قرن 12، 13، 14**، تهران: کتابفروشی زوآر.

- پرنو، موریس (1324)، *زیر آسمان ایران*، ترجمه: کاظم عمادی، تهران: کتابفروشی علمی.
- پیشاوری، ادیب (رضوی، احمد) (1362)، *دیوان اشعار*، گردآوری و تحشیه: علی عبدالرسولی، تهران: چاپ پارت.
- تویسرکانی، پارسا (1346)، *خاطره‌ای از ادیب پیشاوری*، خاطرات و اسناد، تهران: انتشارات وحید.
- _____ (1350)، (1) «*خاطرات ادبی*»، خاطرات وحید، س 9، ش 2، دوره جدید، دی ماه 1350.
- _____ (1350)، (2) «*خاطرات ادبی*»، خاطرات وحید، س 9، ش 3، دوره جدید، بهمن ماه 1350.
- دولت‌آبادی، یحیی (1387)، *حیات یحیی*، با مقدمه و تصحیح: مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: انتشارات فردوس.
- ریپکا، یان و دیگران (1383)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: سخن.
- سپهر (مورخ‌الدوله)، احمدعلی (1362)، *ایران در جنگ بزرگ*، چاپ دوم، تهران: انتشارات ادیب.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان (1362)، *سفرنامه سدیدالسلطنه «التدقیق فی سیرالطریق»*، به تصحیح: احمد اقتداری، تهران: انتشارات به نشر.
- عبدالرسولی، علی (1362)، *مقدمه بر دیوان ادیب پیشاوری*، تهران: چاپ پارت.
- علوی، بزرگ (1386)، *تاریخ ادبیات معاصر ایران*، ترجمه: سعید فیروزآبادی، تهران: انتشارات توس.
- کحال‌زاده، ابوالقاسم (1363)، *دیده‌ها و شنیده‌ها «خاطرات»*، به کوشش: مرتضی کامران، تهران: نشر فرهنگ.
- کسروی، احمد (1364)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.

کمره ای، محمد (1384)، **روزنامه خاطرات سید محمد کمره ای**، ج. 1، به کوشش: محمدجواد مرادی نیا، تهران: اساطیر.

گامین، گ. گ (1357)، **عارف شاعر مردم**، ترجمه: غلامحسین متین، تهران: انتشارات آبان.

لیتل فیلد، هنری ویلسون (1381)، **تاریخ اروپا از 1815 به بعد**، ترجمه: فریده قره چه داغی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

معلم حبیب آبادی، میرزا محمدعلی (1338)، **مکارم الآثار**، اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان.

میرانصاری، علی (1377)، «**ادیب پیشاوری**» در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج 7، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی، صص 368-371.

هیوز، استوارت (1361)، **تاریخ معاصر اروپا**، ترجمه: علی اکبر بامداد، تهران: امیرکبیر.

نشریات

روزنامه عصر جدید، 18 ذیحجه 1333، س 2، ش 18.

روزنامه عصرجدید، 19 رمضان 1334، س 2، ش 120.